در حالى که دیدگان خود را فروهشته‌اند، چون ملخهاى پراکنده از گورها[ى خود] برمى‌آیند. (7) به سرعت سوى آن دعوتگر مى‌شتابند. کافران مى‌گویند: «امروز [چه‌] روز دشوارى است.» (8) پیش از آنان، قوم نوح [نیز] به تکذیب پرداختند و بنده ما را دروغزن خواندند و گفتند: «دیوانه‌اى است.» و [بسى‌] آزار کشید. (9) تا پروردگارش را خواند که: «من مغلوب شدم؛ به داد من برس!» (10) پس درهاى آسمان را به آبى ریزان گشودیم. (11) و از زمین چشمه‌ها جوشانیدیم تا آب [زمین و آسمان‌] براى امرى که مقدّر شده بود به هم پیوستند. (12) و او را بر [کشتى‌] تخته‌دار و میخ‌آجین سوار کردیم. (13) [کشتى‌] زیر نظر ما روان بود. [این‌] پاداش کسى بود که مورد انکار واقع شده بود. (14) و به راستى آن [سفینه‌] را بر جاى نهادیم [تا] عبرتى [باشد]؛ پس آیا پندگیرنده‌اى هست؟ (15) پس چگونه بود عذاب من و هشدارها[ى من‌]؟ (16) و قطعاً قرآن را براى پندآموزى آسان کرده‌ایم؛ پس آیا پندگیرنده‌اى هست؟ (17) عادیان به تکذیب پرداختند. پس چگونه بود عذاب من و هشدارها[ى من‌]؟ (18) ما بر [سر] آنان در روز شومى، به طور مداوم، تندبادى توفنده فرستادیم، (19) [که‌] مردم را از جا مى‌کند؛ گویى تنه‌هاى نخلى بودند که ریشه‌کن شده بودند. (20) پس چگونه بود عذاب من و هشدارها[ى من‌]؟ (21) و قطعاً قرآن را براى پندآموزى آسان کرده‌ایم، پس آیا پندگیرنده‌اى هست؟ (22) قوم ثمود هشداردهندگان را تکذیب کردند. (23) و گفتند: «آیا تنها بشرى از خودمان را پیروى کنیم؟ در این صورت، ما واقعاً در گمراهى و جنون خواهیم بود.» (24) «آیا از میان ما [وحى‌] بر او القا شده است؟ [نه،] بلکه او دروغگویى گستاخ است.» (25) به زودى فردا بدانند دروغگوى گستاخ کیست. (26) ما براى آزمایش آنان [آن‌] ماده‌شتر را فرستادیم و [به صالح گفتیم:]«مراقب آنان باش و شکیبایى کن. (27)